



## بررسی فقهی تجسس در اسلام

پدیدآورنده (ها) : عظیمی گرکانی، هادی

فقه و اصول :: Journal فقه و تاریخ تمدن :: پاییز ۱۳۸۷، سال پنجم - شماره ۳ (علمی-پژوهشی/ISC)

Pages : From ۱۰۱ to ۱۱۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/839166>

تاریخ دانلود : ۲۰۲۳/۰۴/۱۳

Computer Research Center of Islamic Sciences (Noor) to present the journals offered in the database, Has received the necessary permission from the owners of the magazines, accordingly all material rights arising from the entry of information on articles, magazines and writings. Available at the base, belongs to the "Light Center". Therefore, any publication and presentation of articles in the form of text and images on paper and the like, or to The digital form obtained from this site requires the necessary permission from the owners of the journals and the Computer Research Center for Islamic Sciences (Noor), and violation of it will result in legal action. For more information .go to [Terms and Conditions](#) Using Noor Specialized Magazine Database Please refer



## مقالات مرتبط

- بررسی مفاهیم و جایگاه ادله و احکام تجسس در فقه و تقابل آن با حریم خصوصی افراد
- کاوشی در حکم فقهی تجسس
- تجسس و تحلیل آیات فقهی و اخلاقی آن
- تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص با رویکرد امنیت اخلاقی
- ماهیت و حکم اخلاقی تجسس
- بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن
- مبانی فقهی جاسوسی
- تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیتهای اطلاعاتی - امنیتی
- پژوهشی فقهی جزائی در تجسس و تفتیش عقاید
- جایگاه مصلحت در فعالیتهای جاسوسی
- جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه
- ظن و تجسس از منظر قرآن و روایات

## عناوین مشابه

- بررسی اصول و سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی در اسلام
- بررسی فقهی مددکاری اجتماعی در اسلام
- بررسی مبانی فقهی مجازات زندان در اسلام
- بررسی فقهی خوانندگی زنان در اسلام (فریقین)
- بررسی کارکرد مقارنه فقهی در اعتلای نظام حقوقی اسلام / در منقبت فقه نظام ساز
- بررسی مفهوم کیان اسلام در ادبیات فقهی - سیاسی فقهای امامیه
- بررسی و تحلیل اصول و منابع فقهی حقوق عمومی در حکومت و اسلام
- احکام حیض در شرع مقدس اسلام و بررسی مستندات فقهی آن
- بررسی فقهی احکام و شرایط فرزندخواندگی در اسلام
- بررسی قلمرو حکم اولیه جاسوسی و تجسس در اسلام

## بورسی فقهی تجسس در اسلام

### چکیده

تجسس به معنای کاوش در امور پنهانی و سری دیگران است و آن را در عرف و اجتماع، کرداری زشت و ناپسند به شمار می‌آورند. به همین جهت مرتکب به این عمل را نکوهیده و از خود دور می‌کنند. خداوند متعال نیز تجسس را گناهی بزرگ و انسان‌ها را از انجام آن نهی کرده است و در قرآن کریم به مسلمانان می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌یی از آنها گناه است و تجسس نکنید. (سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۲)

این نهی مطلق است و مخصص‌ها و مقیداتی دارد که نه تنها آن را از قلمرو حرمت خارج می‌کند بلکه صبغه‌ی وجوب به آن می‌دهد و مرتکب را به انجام آن ملزم می‌کند. این نوشتار تلاش دارد با استناد به همه‌ی منابع فقهی و آرای فقهاء به بررسی همه‌جانبه در این مسأله بپردازد و احکام آن را با توجه به شرایط، نتیجه‌گیری کند و در سایه‌ی نظام اسلامی، حکم آن را به دست آورد.

### واژگان کلیدی

تجسس، مأمور، اطلاعات، جاسوس، خیانت.

## پیشینه‌ی پژوهش

از زمانی که بشر به اقتضای طبع مدنی خویش، زندگی اجتماعی را تشکیل داده، موضوع تجسس و بحث خیانت به کشور و امت‌ها پدیدار شده است.

البته در زمان‌های متفاوت و به شرایط آن زمان و با توجه به اوضاع و احوال همان عصر این امر نیز شکل‌های مختلفی داشته است. از زمانی که ساده‌ترین تشکیلات اجتماعی به وجود آمده است به طور طبیعی گروهی عهده‌دار آن شده‌اند و جهت استحکام حکومت خویش، به شدت با آن برخورد و جاسوسان را مجازات کرده‌اند. به تدریج بر اثر تکامل بنیادهای اجتماعی، دولت‌ها و قدرت حاکمه گسترش یافت و حقوقی برای شهروندان وضع کردند و مردم موظف به رعایت وفاداری بودند و در صورت تعرض به این حقوق، عمل مرتکبان خلاف و جرم محسوب می‌گردید و مستوجب عقوبت و کیفر بود.

در آغاز اسلام نیز، عملکرد پیامبر و امامان معصوم جهت حفظ نظام و پیروزی بر دشمنان، گماشتن افرادی برای کسب اطلاعات بود که به سوی دشمن روانه می‌شدند تا از نقشه‌ها و توطئه‌ها و عده و عده سپاه اخباری کسب کنند.

«پیامبر اکرم (ص) وارد جنگ نمی‌شدند مگر پس از معرفت کامل از وضعیت دشمن و بدین منظور چندتن از معتمدان خود را همراه فرماندهان می‌فرستادند تا مراقب آنان باشند و در بازگشت اخبار را برای پیامبر بازگو کنند» (قمی، ۱۴۸).

و نیز در فتح مکه، زمانی که حاطب بن ابی بلتعنه از تصمیم پیامبر آگاه شد، مخفیانه نامه‌یی برای اهالی مکه نوشت تا آنان را مطلع سازد و آن را به زنی داد و پیامبر حضرت علی (ع) را همراه با زبیر بن عوام فرستاد تا از بیراهه حرکت کنند و نامه را از او بگیرند و چون به او رسیدند و زن انکار کرد و به گریه افتاد و خدا را سوگند داد که نامه‌یی ندارد حضرت شمشیر از نیام کشید و فرمود:

قسم به خدا چنانچه نامه را بیرون نیاوری حجاب از سرت بر می‌دارم آن گاه گردنت را خواهم زد. آنگاه زن از لابه لای موهای بافته‌اش نامه را بیرون کشید» (رک، مفید، ۵۶/۱ و

و در روایتی از امام باقر(ع)<sup>۱</sup> آمده که شخصی بر امام سجاد وارد شد و عرض کرد که زن شیبانی شما خارجی است و به علی(ع) ناسزا می‌گوید حضرت فردا صبح به قصد خروج از منزل، در آن جا پنهان شد و چون سخنان همسر خود را شنید گفته‌های آن مرد را تصدیق کرد و از آن زن جدا شد (حر عاملی، ۴۲۵/۱۴).

روایت‌ها و حدیث‌ها درباره‌ی خیانت به کشور فراوان است و از گناهان کبیره به‌شمار می‌آید و عمل او از جاسوس، قبیح تر است.

### مفاهیم

در این مبحث، به بررسی تمامی واژگانی می‌پردازیم که به نوعی با تجسس در ارتباط‌اند.

نقیب و عریف، دانایان قوم و مهتر آنها هستند (که رتبه‌ی عریف پس از نقیب قرار دارد) و بر آنها مقدم هستند و اخبار قوم را می‌دانند و از احوال تفتیش می‌کنند. پس یکی از وظایف نقباء و عرفاء، خبرگیری و تجسس بوده است.

نقیب به معنای گواه و ضامن قوم است و شخصی است که از احوال آنها آگاه است و عریف مترادف با آن است (جوهری، ۲۲۷/۱ و ۱۴۰۲).  
در زبان عربی کلماتی چون تحسس، عین و سماع مترادف با تجسس به‌کار می‌روند. ابن منظور می‌نویسد: «جس به معنای لمس کردن با دست و جستجوی خبر است و تجسس به معنای تفتیش از باطن کارهاست و جاسوس همان عین است که در مورد اخبار تجسس می‌کند» (لسان العرب، ۲۸۲/۲).

قرطبی به نقل از اخفش می‌گوید: «تجسس با تحسس تفاوت زیادی ندارد زیرا تجسس فحص از چیزی است که بر تو پوشیده مانده است و تحسس به دنبال اخبار و در جستجوی آن بودن است» (الجامع لاحکام القرآن، ۳۳۳/۱۶).

---

۱. وبلااسناد عن زراره عن ابی جعفر(ع) قال: دخل رجل علی علی بن الحسین(ع) فقال: ان امرأتک الشیبانیه خارجیه تشتم علیاً(ع) فان سرک ان اسمعک ذلک منها اسمعتک قال: نعم، قال: فاذا کان حین ترید ان تخرج کما کنت تخرج فعد فاکمن فی جانب الدار، قال: فلما کان من الغد کمن فی جانب الدار و جاء الرجل فکلّمها فتین منها ذلک فخلّی سبیلها و کانت تعجبه.

عین همان جاسوس است و سماع به معنای تجسس و تحقیق در اخبار و حالات است (طریحی، ۳۴۶/۴).

واژه‌ی خیانت، از جمله کلماتی است که در قرآن کریم به معنای عهد شکنی و خیانت در امانت به کار رفته هم‌چنان که آمده است: ای پیامبر، ما قرآن را به حق بر تو فرستادیم تا میان مردم به آنچه که خدا بر تو وحی کرده، حکم کنی و نباید به نفع خیانت‌کاران به خصومت برخیزی<sup>۱</sup>. بنابراین پیمان شکنی به معنای عام، شامل مساعدت به دشمن و تضعیف مسلمانان نیز می‌شود و این همان جاسوسی به نفع دشمن است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «خیانت و نفاق دارای یک معنا هستند مگر این‌که خیانت نسبت به عهد و امانت استعمال می‌شود و نفاق نسبت به دین گفته می‌شود بنابراین خیانت مخالفت با حق از طریق پیمان شکنی در خفا و سر است و نقیض خیانت به امانت‌داری است» (راغب اصفهانی، ۱۶۳).

حقوق‌دانان معتقدند: «جاسوس به شخصی اطلاق می‌شود که در پوشش‌های متقلبانه به نفع دشمن درصدد تفحص پیرامون اسرار یا تحصیل اطلاعات و مدارک و اسناد مربوط به توانایی‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی یک کشور و انعکاس آنها به کشور دشمن باشد» (ولیدی، ۱۰۶/۳ و ۱۰۷).

در تفسیر منهج الصادقین، شأن نزول آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی انفال<sup>۲</sup>؛ [ای مومنین (در کار دین) به خدا و رسول خیانت نکنید و به امانت‌های یکدیگر خیانت نکنید در حالی که (زشتی خیانت را) می‌دانید] را جاسوسی عنوان نموده و گفته است: «جبرئیل نزد پیامبر آمد و مکان ابوسفیان را گفت تا به جنگ علیه او و طرفدارانش بپردازد ولی یکی از منافقان اطلاع یافت و ابوسفیان را از آمدن مسلمانان خبردار کرد» (کاشانی، ۱۸۲/۴ و ۱۸۳).

### گونه‌های تجسس

تجسس از این نظر که دربردارنده مصالح است یا خیر به چند گونه می‌باشد:

۱- به صرف آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلایی انجام شود.

۱. «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ وَ لَاتُكِنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء، ۱۰۵)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

۲- با نیتی فاسد چون هتک، پراکندگی فحشا و آزدن مؤمنان، براندازی و یا تضعیف حکومت اسلامی انجام گیرد.

۳- با قصد و انگیزه‌ی سالم صورت پذیرد که خود به دو گونه منشعب می‌گردد:  
الف) غرض و هدفی لازم و ضروری در میان باشد: مانند حفظ حکومت اسلامی در قبال رخنه کافران و منافقان، برطرف کردن زمینه‌های گمراهی از جوامع اسلامی، آگاهی از چگونگی کارکرد کارگزاران، آگاهی از وضعیت نیروها و تجهیزات دشمن.  
ب) هدفی راجح و بارزش ولی غیر لازم در میان باشد: مانند یافتن افراد صلاحیت دار، آگاهی از دانش‌های روز، کشف نیازهای اجتماعی<sup>۱</sup>.

به عبارتی دیگر می‌توان تجسس را به تجسس‌های مشروع و نامشروع تقسیم کرد. لازم به ذکر است که گونه اول و دوم همان تجسس‌های نامشروع است و در حرمت آن و در آن جایی که مورد تجسس عیوب باشد جای تردیدی نیست و گونه‌ی سوم همان تجسس‌های مشروع می‌باشد که حدود و مرز آن باید مشخص گردد و با استفاده از قرآن و سنت و حدیث‌های ائمه، حکم آن به‌دست آید.

مقدس اردبیلی می‌گوید: «و لا تجسسوا در آیه دوازدهم حجرات<sup>۲</sup> به این معناست که در جستجوی عیوب مسلمانان نباشید و نهی از دنبال کردن نقص‌های مسلمانان در روایات بسیاری آمده است» (اردبیلی، ۴۱۷).

مقتضای اطلاق نهی، حرمت هر دو قسم است و طبق آیه، تجسس از عیوب مسلمان‌ها حرام و ممنوع است زیرا آیه، خطاب به مؤمنان است و آیه‌های قبل و بعد، شاهد صدقی بر این مدعاست (طوسی، ۳۴۸/۹).

علامه طباطبایی می‌گوید: «تعلیلی که در جمله‌ی [أیحبّ احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً] برای حرمت غیبت آمده تعلیل برای حرمت تجسس نیز هست چون فرق غیبت با تجسس تنها در این است که غیبت اظهار عیب مسلمانان برای دیگران است چه این که عیبش را خودمان دیده باشیم و چه این که از کسی شنیده باشیم و تجسس عبارت است از این که به عیب او علم و آگاهی پیدا کنیم» (المیزان، ۳۵۲/۱۸).

۱. برای توضیح و تحقیق بیشتر در این زمینه رک: پیام قرآن ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۰، ص ۳۹۸.

۲. یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا

در روایت‌ها نیز بر عدم جواز تجسس نامشروع تصریح شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«از گمان بد بپرهیزید زیرا سوءظن دروغ‌ترین سخن‌هاست و از افشاگری عیب‌های یکدیگر بر حذر باشید و همیشه خویش را بنده خدا به شمار آورید» (بخاری، ۱۸۵/۱۸).

در مورد جواز تجسس مشروع نیز روایات فراوان است. پیامبر اکرم(ص) در جنگ احد دو مأمور اطلاعاتی فرستاد تا از کم و کیف لشکر قریش خبر بیاورند و چون وارد احد شد حباب بن منذر را مخفیانه به سراغ آنها فرستاد تا جمعیت دشمن را تخمین بزند و فرمود: هنگامی که برای من خبری می‌آوری آشکارا در میان مسلمانان بازگو مکن مگر آن که تعداد آنها را کم بینی (واقعی، ۲۰۶/۲ و ۲۰۷).

و حضرت علی(ع) در فرمان معروف به مالک اشتر می‌فرماید: مأموران مخفی را از میان افراد راستگو و باوفا برای بررسی وضع کارگزاران حکومت بفرست و اعمال آنان را زیر نظر بگیر زیرا بازرسی مداوم و پنهانی سبب می‌شود که آنها به امانتداری و مدارا به زیردستان ترغیب شوند (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

در مورد دوری از جاسوسی‌های حرام و مخرب نیز در اسلام توصیه شده است. اسلام به تأمین امنیت مردم در زندگی خصوصی‌شان اهمیت به‌سزایی قائل است و با تجسس در امور شخصی و مسایل پنهان زندگی افراد به مبارزه برخاسته است.

«تجسس در امور دیگران موجب منزوی شدن جاسوس از اجتماع می‌گردد. تفحص و کنجکاوای در امور شخصی مردم، تبعیت از سوءظن است و عکس‌العمل بدبینی را به دنبال دارد و فرد کنجکاو در طول مراقبت به نقاط ضعف افراد واقف می‌گردد و در اثر آن، یک نوع انزوا به او دست می‌دهد و در حقیقت کمتر کسی را شایسته معاشرت می‌داند. این‌گونه افراد منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند و نمی‌توانند مبدأ آثاری در اجتماع باشند» (رک، طبرسی، ۲۱۹/۲۲ و ۲۲۰).

پیامبر اکرم<sup>۱</sup> فرمودند: «بدترین مردم بدگمان‌ها و فاسدترین بدگمان‌ها تجسس‌کننده‌ها هستند» (نوری، ۱۴۷/۹).

۱. و قال رسول الله(ص): شر الناس الظنون، و شر الظانين المتجسسون، و شر المتجسسين القوالون، و شر القوالين



## جاسوسی به نفع دشمنان

رساندن اطلاعات و اخبار به دشمنان اسلام و کشور اسلامی به ضرورت عقل و آیه‌های قرآن کریم و روایت‌های حرام و خیانت به خدا و پیامبر (ص) است. در قرآن کریم آمده است: «ای مؤمنان در کار دین با خدا و رسول و در کار دنیا به یکدیگر خیانت نکنید در حالی که شما زشتی خیانت را می‌دانید» (انفال، ۲۷). مفسران شیعه و سنی در مورد شأن نزول این آیه، احتمالاتی را نقل کرده‌اند که از مصداق‌های جاسوسی به نفع دشمنان اسلام است.

«گفته شده آیه در حق ابولبابه است که با محاصره‌ی مسلمانان، یهودیان طلب صلح نمودند و از پیامبر خواستند تا ابولبابه را جهت مشورت نزد آنها بفرستد و چون مال و فرزندان وی در اختیار آنها بود با انگشت به حلق خود اشاره کرد یعنی همه شما را خواهند کشت و به این طریق آنها از اسرار مسلمانان آگاه شدند که پس از آن، پشیمان شد و هفت شبانه روز خود را به ستون بست و از خوراک دست کشید تا توبه او پذیرفته شد» (رک، زمخشری، ۲۱۳/۲ و ۲۱۴).

در قرآن کریم، از جاسوسی به خیانت به خدا و پیامبر<sup>۱</sup> تعبیر شده است. (انفال، ۲۷). علاوه بر قرآن، در روایت‌ها نیز در مورد این مسأله گفته شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «در هر ناحیه از سرزمین حکومت، جاسوس‌هایی را بگمار سپس خبرهایی را که به دست می‌آوری برای ما بفرست» (ابن ابی الحدید، ۱۳۰).

ابن راشد رئیس قبیله بنی ناجیه از حکومت کناره‌گیری کرد امام به عبدالله بن فعین دستور داد تا مخفیانه وی را زیر نظر داشته باشد و اطلاعات به دست آمده را گزارش دهد (رک، همان، ۱۲۰).

اسلام به منظور حفظ کیان کشور اسلامی از خطر جاسوسان داخلی و خارجی، هوشیاری و مراقبت کامل را توصیه کرده است و در صورت دستیابی به آنان و اثبات جرمشان به مجازات خواهند رسید.

در روایتی<sup>۱</sup> آمده است که جاسوس و خبرچین هنگامی که دستگیر شوند به قتل می‌رسند (رک، نوری، ۹۸/۱۱). روزی یکی از کسانی که در محضر پیامبر اکرم حضور داشت ناگهان غایب شد. گفته شد که او جاسوس است. پیامبر اکرم (ص) هیأتی را مأمور کرد تا مسأله را پی‌گیری کنند و او را در هر کجا دستگیر کردند بکشند که هیأت مذکور به دستور عمل کرد (سیجستانی، ۱۴۱/۲).

### استراق سمع

در عصر حاضر با توجه به پیشرفت صنعت و تکنولوژی و وجود دستگاه مخابراتی بحث حکم فقهی استراق سمع حایز اهمیت است و بی شک کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و تجسس در محتوای آنها جهت آگاهی بر اسرار مردم یکی از مصادیق تجسس حرام است.

در حدیثی از پیامبر اکرم<sup>۲</sup> آمده است که فرمودند: «لغزش‌هاش مسلمان را جستجو نکنید چرا که هر کس لغزش‌های مسلمین را، جستجو کند خداوند او را جستجو می‌کند و هر کس خداوند لغزش‌هایش را جستجو کند رسوایش می‌سازد» (کلینی، ۳۵۵/۲).

ولی گاهی ضرورت‌هایی ایجاب می‌کند که حکومت اسلامی در پاره‌ای از موارد این کار را مرتکب شود و آن در جایی است که بیم توطئه‌های ضداسلام و مسلمان و به خطراتادن نفوس و اموال قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد که در چنین موارد چاره‌ی جز استراق سمع و تفتیش در کارها نیست. در واقع این مسأله از نمونه‌های تزاحم واجب و حرام است که باید مهم را فدای اهم نمود.

۱. عن ابی عبدالله (ع)... و الجاسوس و العین اذا ظفر بهما قتلا.

۲. قال رسول الله (ص): یا معشر من اسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه لاتبعوا عثرات المسلمین فانه من تتبع عثرات

المسلمین تتبع الله عثرته و من تتبع الله عثرته یفضحه.

## چهارچوب تجسس

روشن است که نظام اسلامی از ارکانی چون قوه مقننه، قضائیه، مجریه و نیروهای دفاعی و جنگی برای رویارویی با کفار و منافقان و پیمان شکنان، مراکز فرهنگی چون دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و مؤسسه‌های اقتصادی تشکیل یافته است و پاسداری از این ارکان اقتضا می‌کند که رئیس حکومت بر تمامی آنها نظارت و مراقبت کامل داشته باشد.

عقل نیز به این مطلب حکم می‌کند و آن را لازم می‌داند و این همان چیزی است که پیامبر اکرم(ص) و جانشینان او از آن فروگذار نکرده‌اند.

حضرت علی(ع) نیز بر ضد مخالفان، پیمان شکنان و آنهایی که از جنگ با او وارد شدند جاسوس‌ها و مراقبانی قرار داد. در نامه‌یی به قثم بن عباس کارگزار خود در مکه نوشت: «جاسوس ما در مغرب در نامه‌یی به من خبر داده گروهی از شامیان به سوی مناسک حج فرستاده شده‌اند... با تمام توان چون کوهی از خرد و دوراندیشی بپا خیز» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۳).

امامان معصوم علیهم السلام نیز در همین زمینه، فساد پراکنی تبهکاران را زیر نظر داشتند و آماده بودند تا اشکال‌ها و شبهاتی را که از سوی کفار و منافقان وارد می‌شد با حکمت و اندرز نیکو کم سو و کم فروغ نمایند.

جواز تجسس برای حفظ نظام اسلامی منوط به مصلحت موجود در تجسس است که جلب آن، از دفع مفسده تجسس بیشتر و مهم‌تر است و به عبارتی دیگر، با وجود مصلحت اولی، مفسده‌یی در آن باقی نمی‌ماند.

چنان که فقها در مورد غیبت نیز به آن اشاره کرده‌اند. «در روایتی از موسی بن جعفر(ع) به مواردی چون دفع ضرر از نفوس، پالایش روایات از اخبار فاسقان و فاجران، برکندن ریشه فساد همانند فساد پراکنی، بدعت گزارانی که بیم گمراه سازی مردم از سوی آنان می‌رود، رد آن که نسبی را به دروغ به خودبسته، حفظ نوامیس و اموال کلان، نجات ستم‌دیده، تربیت اهل خانه و فرزندان، اشاره شده است» (رک، قمی، ۳۳۱).

## مجازات جاسوس در اسلام

منظور از جاسوس، مجرمی است که به نفع دشمن و علیه نظام اسلامی خبرچینی می‌کند. در مجازات جاسوس میان فقهاء اختلاف است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که مجازات جاسوس قتل است (رک، نوری، ۹۸/۱۱).

مالک و احمد بن حنبل در یکی از دو نظریه خود معتقدند در صورتی که مسلمانی برای بیگانگان و دشمنان اسلام جاسوسی کند کشته می‌شود و مجازات او قتل است (انصاری قرطبی، ۵۲/۱۸).

«چون خبر وفات امیرالمؤمنان و بیعت مردم با حسن بن علی (ع) به معاویه رسید پنهانی مردی از قبیله حمیر را به کوفه و مردی از قبیله بنی القین را به بصره فرستاد تا اخبار را برای او بنویسند. امام حسن (ع) چون از این قضیه اطلاع یافت دستور داد تا حمیری را در کوفه گردن زدند و به بصره نوشت تا قینی را در میان قبیله‌ی بنی سلیم بیاپند و او را اعدام نمایند» (رک، امین عاملی، ۵۶۷/۱).

بهتر آن است که جاسوسی از جرائم حدی خارج شود و مشمول تعزیرات قرار گیرد و تعیین میزان مجازات آن بسته به نظر حاکم اسلامی باشد که در صورت لزوم، تا اعدام و قتل نیز جلو برود.

شیخ طوسی معتقد است: «اگر مسلمانی به نفع دشمن و کافر حربی تجسس کند و آنها را از اخبار مسلمانان آگاه سازد تنها بدین سبب، کشتن او جایز نمی‌شود، امام و حاکم می‌توانند او را مورد عفو قرار دهند یا آن که او را تعزیر کنند» (طوسی، ۱۵/۲).

گروهی از مالکیه بر این باورند که چنانچه جاسوس این عمل را با تکرار حرفه و شغل خود قرار دهد و به آن عادت کند مجازات او قتل است (انصاری قرطبی، ۵۳/۱۸).

در صحیح بخاری در حدیثی آمده است: «لایحل دم امرء مسلم یشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله الا باحدى الثلاث: النفس بالنفس، و الثیب الزانی و المارق من الدین التارک الجماعه» خون هیچ مسلمانی که گوینده‌ی توحید است و شهادت به نبوت پیامبر می‌دهد، حلال نیست جز در سه مورد: قتل نفس، بیوه‌ی زناکار و کسی که مرتد شده و از دین خارج شده و ترک جماعت کرده است (زیرا دین چیزی است که جماعت بر آن وفاق دارند). (بخاری، ۶۰۶/۹)

روشن است که حدیث به طور حصری بیان گردیده است و کشتن مسلمان در مواردی غیر از آن جایز نیست و جاسوسی و افشای اسرار مسلمانان مشمول هیچ یک از موارد مذکور نمی‌باشد هرچند ممکن است گفته شود: جاسوس تارک جماعت مسلمین است پس قتل وی، جایز است.

### علل سقوط مجازات جاسوسی

مواردی داریم که جاسوس علی رغم آن که مستحق مجازات و کیفر است ولی اعمالی انجام می‌دهد و یا شرایطی محقق می‌شود که مسقط کیفر اوست.

۱- پذیرش اسلام از سوی جاسوسان غیر مسلمان

در سیره‌ی پیامبر داریم: «حضرت در برخورد با جاسوس کافر قبل از اجرای مجازات او را به اسلام دعوت می‌کرد و چنانچه ایمان می‌آورد از مجازات معاف می‌شد و این عمل پیامبر مطابق با قاعده‌ی جب [الاسلام یجب ما قبله] می‌باشد» (مجلسی، ۱۱۵/۲۱).

۲- راهنمایی و کمک رسانی برای اطلاع یافتن از اسرار دشمن

همکاری جاسوس و ارائه‌ی اطلاعات، درباره‌ی کشف اسرار مربوط به دشمن می‌تواند باعث عفو و تخفیف مجازات شود.

«پیامبر، حضرت علی را با صدنفر به فدک اعزام کرد زیرا خبر رسیده بود که آنها می‌خواهند به یهودیان خیبر کمک کنند در میان راه جاسوسی از دشمن را گرفتند و او مسلمانان را راهنمایی نمود و با حمله مسلمانان آنان گریختند و حضرت وی را آزاد کرد» (ذهبی، ۲۹۵).

پس امان دادن به جاسوسی که از امور دشمنان خبر می‌دهد، جایز است و چنانچه مفسده‌ی نداشته باشد واجب می‌شود و این در جایی است که خبر او از اهمیت ویژه‌ی برخوردار باشد.

در امان دادن تفاوتی میان جاسوس کفار و جاسوس باغیان و تمام مستحقان قتل نیست بلکه به مسلمان جاسوس که مستحق کشتن هم نیست در ازای رساندن خبرهایی از دشمن می‌توان پناه داد و در مجازات او از تعزیر و زندان گرفته تا تبعید و مانند آن می‌توان تخفیف داد.

## ویژگی‌های مراقبان و مأموران تجسس

مراقبان باید واجد صفاتی چون شجاعت، امانت، حق‌گویی، راستی، اعتماد و وفاداری باشند. این اوصاف از ویژگی‌های اساسی مراقبان مسلمان است زیرا ترسو هیچ‌گاه نمی‌تواند اخبار صحیح به‌دست آورد و از آن‌جا که اعتمادی به صدق گفتار و درستی کردار شخصی که اهل راستی و حق‌گویی نیست وجود ندارد نمی‌توان در حفظ اسرار و پراکندن آن و یاری نکردن دشمنان و مخالفان به شخص خائن اطمینان داشت. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «در هر کار، از صالح‌ترین و کارآمدترین فرد آن حرفه، کمک بگیرید» (دموش املی، ۲۱۷/۳).

کار مأموران تجسس، کاری خطیر و سرنوشت‌ساز است که با جان و آبروی افراد سر و کار دارد.

مأمور تجسس باید فردی هوشیار، کارآمد، زیرک و چابک باشد تا به ژرفا و کنه امور دست یابد و نیز از کینه، حسد، دشمنی آشکار، ستیزه‌جویی پیراسته باشد تا با عمل خویش، خیرخواه مسلمانان باشد.

## اختیارات مراقبان و محدوده‌ی اقدام آنها

چون جاسوسان از سوی حاکم شرع مأموریت یافته‌اند جایز نیست از محدوده‌ی رخصت تجاوز کنند که این خود نوعی ستم و تجاوز است. نباید بدون مجوز شرعی وارد خانه‌ای شوند و یا متهمی را بدون حکم قاضی به مجازات رسانند.

هم‌چنین خبرگیر باید اطلاعات دریافتی خود را تنها به فردی ارائه کند که اجازه دارد و سرپیچی از موارد اذن حرام است چنان‌که پیامبر اکرم(ص) به حباب بن منذر دستور داد: «هنگامی که میان مسلمانان هستم برایم خبر نیاور مگر زمانی که تعداد مخالفان راندک دیده باشی» (واقعی، ۲۰۷/۱). زیرا اعلام خبر سبب ضعف و سستی در جامعه‌ی اسلامی می‌گردد. هم‌چنین رسول خدا به خوات دستور داد تنها، آن حضرت را از خبر آگاه کند آن‌جا که فرمود: «خوب نگاه کن ببین جایی هست که آنها از آن غافل باشند اگر دیدی مرا خبر کن» (همو، ۴۶۰/۳).

مأمور اطلاعاتی نمی‌تواند برای گرفتن اقرار دیگران را تحت فشار قرار دهد و هر گونه اقرار که از طریق تهدید و ضرب و شکنجه گرفته شود بی اعتبار است و هیچ ارزش شرعی و قانونی ندارد.

در حدیثی از حضرت علی(ع) آمده است: «کسی که هنگام برهنه کردن و یا ترساندن یا حبس و تهدید اقرار کند حدی بر او نیست» (حر عاملی، ۱۸/۲).  
بله متهمی که تحت فشار اعتراف می‌کند و اماره و قرائن گواهی بر صدق اعترافات است این اعترافات ارزش دارد و مقرون به واقع و حجت است.

ذکر این نکته لازم است که در پاره‌یی موارد، متهم سکوت می‌کند و لب به سخن نمی‌گشاید و اطلاعات بسیار مهم و ارزشمندی دارد. در این‌جا استنطاق از او و تحت منگنه قرار دادن او صحیح است و این‌گونه فشارها نه بر خلاف عقل است و نه نقل.

در پاره‌یی موارد مأموران اطلاعاتی برای بدست آوردن خبرهای حساس و سرنوشت ساز مجبورند به رنگ دشمن درآیند و در میان آنها نفوذ کنند در چنین شرایطی گاه ناچار به ارتکاب بعضی گناهان می‌شوند مثلاً غذای حرامی را می‌خورند یا سخنانی ظاهراً بر ضد اسلام و مقدسات آن می‌گویند که این نیز، مشمول همان قاعده‌ی تراحم واجب و حرام و اهم و مهم است و هدف بالاتر در نظر گرفته می‌شود و ارتکاب حرام به مقدار ضرورت مجاز می‌گردد.

### تبادل اطلاعات

امروزه سخن از داد و ستد خبری است که در زمینه‌ی کشف‌ها، پژوهش‌ها و صنایع انجام می‌شود و هیچ مانعی ندارد ولی در مورد اسرار نظام و ناگفتنی‌های مسلمانان جایز نیست هر چند در ازای گرفتن اطلاعات باشد مگر آن که خبر کسب شده چنان مهم باشد که حرام بودن افشای خبر را ساقط کند. این داد و ستد ممکن است به صورت صلح، جعاله و اجاره باشد که جایز و رایج است.

«بیع در این موارد مشکل است زیرا متعلق آن باید عین خارجی باشد و این در صورتی است که مورد معامله، خود کار خبر دهی باشد ولی چنان‌چه اطلاعات نوشته

شود و در ردیف اسناد قرار گیرد داد و ستد آن بدون مانع است. ولی در همه‌ی موارد اجاره صحیح است» (رک، شهید ثانی، ۲۵۱).

پس فروش اطلاعات میان کشورها جایز است مانند انتقال و فروش اخبار از دولت‌های اروپایی به آمریکا و بالعکس و سرقت اطلاعات و در آوردن آنها از چنگ کفار حربی و آنها که هم پیمان با مسلمانان نیستند جایز است زیرا اموال و حقوق آنان از احترام و حرمت برخوردار نیست.

بله چنانچه معامله‌یی صورت گیرد و قراردادی با آنها بسته شود به اقتضای ادله‌ی وجوب وفا به عهد و پیمان، اخلال در معامله جایز نیست.

### ضمان ناشی از جاسوسی

اگر یکی از مأموران بدون تحقیق خبر دهد و مقام مسئول بدون واری و احراز سوء نیت خسارت مالی یا جسمی به آن شخص وارد کند، در گناهکار بودن مراقب تردیدی نیست ولی مباشر عامد ضامن است نه مأمور و مراقب ولی چنانچه مأمور تجسس دروغ بگوید و به عمد نیرنگ کند و در اثر آن و به حکم قاضی، خسارت مالی یا جسمی بر متهم وارد شود مأمور در نهایت ضامن غرامت است زیرا مغرور در گرفتن غرامتی که پرداخت کرده، به غار مراجعه می‌کند که در این زمینه روایت صحیحی از جمیل بن دراج از امام صادق (ع) در مورد شاهد کذب نقل شده است (رک، حرّ عاملی، ۲۳۹/۱۸).

در پاره‌یی موارد، مأمور تجسس بدون عمد و مسامحه اشتباه می‌کند و قاضی هم بدون تفریط با استناد به خیر او آسیب‌های جسمی یا مالی بر متهم وارد می‌سازد در این صورت نیز مأمور ضامن است چنان که در مختصر النافع در جایی که شاهدان شهادت خود را پس می‌گیرند آمده است: «اگر گفتند خطا کردیم پرداخت دیه بر آنان واجب

۱. عن ابی عبد الله (ج) فی شاهد الزور قال: ان كان الشیء قائماً بعینه ردّ علی صاحبه و ان لم یکن قائماً ضمن بقدر



است» (حلی، ۴۱۹) و در حسنه محمد بن قیس از امام باقر(ع)<sup>۱</sup> نیز همین رأی تأیید شده است: «امیرالمؤمنین پس از آن که دو مرد برضد شخصی شهادت دادند که وی دزدی کرده است حکم به قطع دست صادر و پس از اجرای حکم، از شهادت خود رجوع کردند و فرد دیگری را به عنوان دزد معرفی کردند، امام حکم کرد آن دو شاهد، نیمی از دیه را بپردازند و شهادت مجدد آنها را معتبر ندانست» (حر عاملی، ۲۴۲/۱۸).

بنابراین در این‌گونه موارد، ضمان بر عهده بیت المال نیست زیرا دلیل تنها اختصاص به خطای در حکم دارد چنان که صاحب جواهر تصریح می‌کند: «اگر قاضی به خطا مالی را تلف کند و یا شخصی را به قصاص محکوم سازد و پس از آن خطای در حکم آشکار شود قاضی در اجتهاد خود مقصر نیست زیرا به وظیفه خود عمل کرده و خسارت از بیت المال پرداخت می‌شود» (نجفی، ۷۹/۲۰).

## نتیجه

تجسس نتیجه زندگی اجتماعی بشر است که این عمل بنفسه کرداری زشت و ناپسند و مرتکب آن مورد سرزنش و نکوهش قرار گرفته است. نهی از تجسس مطلق نیست و از این نظر که در بردارنده مصالح و منافع است یا خیر به دو قسم تقسیم می‌شود. تجسس مشروع، تجسسی است که مرتکب با نیتی پاک و انگیزه‌ی سالم به آن عمل می‌نماید که خود به دو قسم منشعب می‌گردد: الف) تجسسی که با غرض و هدفی لازم و ضروری انجام می‌پذیرد مانند حفظ حکومت اسلامی در قبال رخنه کافران و منافقان، جلوگیری از گسترش انواع فساد اجتماعی، اخلاقی، ظاهری یا مالی، برطرف ساختن زمینه‌های گمراهی و انحراف از جوامع اسلامی، آگاهی از چگونگی کارگزاران حکومت اسلامی، باخبرشدن از وجود اختلاس، آگاهی از وضعیت نیروها و تجهیزات دشمن.

۱. قضی امیرالمؤمنین(ع) فی رجل شهد علیه رجلان بأنه سرق فقطع یده حتی اذا کان بعد ذلک جاء الشاهدان برجل آخر فقالا: هذا السارق و لیس الذی قطع یده انما شہنا ذلک بهذا قضی علیهما ان غرهما نصف الدیہ و لم یجز شهادتهما علی الآخر.

ب) دارای هدفی راجح و با ارزش ولی غیر لازم است: مانند یافتن افراد صلاحیت دار برای اعطای مناصب شایسته به آنها، آگاهی از دانش‌های روز، به دست آوردن میزان رضایت عمومی از نحوه اداره‌ی امور، کشف نیازهای اجتماعی.

تجسس نامشروع تجسسی است که مرتکب به صرف آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلایی و یا با نیتی فاسد چون هتک، پراکندگی فحشا و آزدن مؤمنان، براندازی و یا تضعیف حکومت اسلامی انجام دهد. بنابراین تجسس نامشروع نیز به دو قسم تقسیم می‌گردد.

الف) تجسس در اسرار خصوصی مردم: امروزه با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، پی‌بردن و سرقت اسرار مردم از هر طریقی همچون استراق سمع، مکاتبات، اینترنت و تلفن حرام و عمل به آن نهی شده است.

ب) جاسوسی به نفع دشمنان: رساندن اطلاعات و اخبار به دشمنان اسلام و کشور اسلامی به ضرورت عقل هم، خیانت محسوب می‌شود و به استناد منابع فقهی دیگر نیز حرام و مستوجب عقوبت می‌باشد.

آنچه مسلم و آشکار است این است که در خصوص حکم جواز بر ارتکاب تجسس باید رضای شارع در آن باشد و در تراحم میان دو حکم جواز و غیر جواز می‌بایستی اهم بر مهم ترجیح داده شود و نیز جهت حساسیت موضوع در همه حال باید حد و حدود آن مشخص و کاملاً رعایت گردد و مأموران و مراقبان کاملاً به وظیفه‌ی خویش آگاه و حدود اختیارشان را بدانند زیرا در صورت اهمال و یا تخطی، ضامن و مستوجب عقوبت هستند.

## فهرست منابع و مآخذ

\* قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب المحيط، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۴. امین عاملی، محسن، اعیان الشیعہ، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۵. انصاری قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۶ م.
۶. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، طبعه الشعب، بی تا.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ الی تحصیل الشریعہ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۹. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، مختصر النافع، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. دعووش آملی، علی، مؤسسه الاستخبارات و الامن، دارالامیر للثقافه و العلوم، بیروت، ۱۹۹۳ م.
۱۱. ذہبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، دارالکتب المصری، قاهره، بی تا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشرالکتب، بی جا، بی تا.
۱۳. زمخشری، محمد، تفسیر کشاف، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
۱۴. سیجستانی ازدی، سلیمان بن اشعث، سنن ابن داوود، مطبعه البانی الحلبی و اولاده، مصر، ۱۳۷۱ ق.
۱۵. شهید ثانی، (جمعی عاملی)، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، مکتب النوید الاسلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. طبرسی، علی بن فضل، مجمع البیان، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۱۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. قمی، حمیری، قرب الاسناد، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. کاشانی، فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۷۸ م.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، دارالمفید، مؤسسه آل البیت لتحقیق التراث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۲۸. واقفی، ابوعبدالله محمد بن عمر، المغازی، دارالمعارف، قاهره، بی تا.
۲۹. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ ش.

